

سرزمین‌های آلمانی زبان (۲)

۱۶۰

به خوانندگان پیشین مجله «کَلک» که امروز بی‌گمان مجله «بُخارا» را پیش‌رو دارند، وعده داده بودیم که سلسله مقالاتی با عنوان «ایرانشناسی در سرزمین‌های آلمانی زبان» منتشر کنیم و در پیشگفتار اولین مقاله (کَلک، شمارهٔ مرداد - آذر ۷۶) نوشتم که مطالبی که تحت این عنوان منتشر می‌شود «در واقع با هدف و به منظور آشنا ساختن ایرانیان و فارسی‌زبانان با آثار اندیشمندان و پژوهشگران و نویسندگان و مترجمان آلمانی زبان فراهم می‌آید و کوششی اندک و ناچیز است تا در حد توان خود آنچه از تاریخ و فرهنگ و هنر ایران (به معنای گستردهٔ آن) و نیز آنچه از آثار ادبیات فارسی (اعم از کهن و کلاسیک و معاصر و مدرن آن) در سرزمین‌های آلمانی زبان تألیف و ترجمه و نشر و پخش می‌گردد، گردآوری و دست‌چین کنم و به هم‌میهن‌انم که همواره از طرفداران آشتی فرهنگها و دوستی ملت‌ها بوده‌اند، پیشکش کنم». و نیز تأکید کرده بودم که «عنوان «ایرانشناسی در سرزمین‌های آلمانی زبان» را برای این مجموعه برگزیده‌ام؛ ولی طبعاً در معرفی و نقد و بررسی آثاری نیز که در زمینهٔ «اسلام‌شناسی» و یا به طور کلی «شرق‌شناسی» منتشر می‌شود و در پیوند تنگاتنگ با ایران و ایرانی قرار دارد، کوتاهی نخواهم کرد».

اما بعد از انتشار نخستین مقاله، ناگزیر «مدتی این مشنری تأخیر شده»، ولی باز به قول مولانا «عشق را با پنج و با شش کار نیست / مقصد او جز که جذب یار نیست». مطلوب و مقصود ما در این سلسله مقالات، استمرار و استحکام پیوندهای معنری و فرهنگی میان مشرق‌زمین و

مغرب زمین است؛ به ویژه میان سرزمینهای فارسی زبان و آلمانی زبان. در واقع همان هدف عالی گوته، شاعر و اندیشمند آلمانی، آنجا که در نامه‌ای به «کوتا»، ناشر آثارش می‌نویسد: «قصدم این است که به گونه‌ای دل‌زنده و دلپذیر، غرب و شرق، گذشته و حال و فرهنگ ایرانی و آلمانی را به هم پیوند دهم و طرز فکر و آداب و سنن مردمان این دو جهان را با هم قرین و دمساز کنم.»

* * *

سه کتاب تازه از مجموعه «کتابخانه جدید شرقی»

در اوایل سال جاری، انتشارات آلمانی «C.H. Beck» سه عنوان جدید دیگر از مجموعه‌ای نفیس که از سه سال پیش تحت عنوان «کتابخانه جدید شرقی» (Neue Orientalische Bibliothek) انتشار می‌یابد، به دستداران آلمانی زبان فرهنگ و ادب مشرق‌زمین عرضه کرده است. در کنار معرفی و نقد این سه کتاب جدید، برای اطلاع علاقه‌مندان به زبان آلمانی، مشخصات آنها را نیز به دست می‌دهم. کتابشناسی این آثار و دیگر کتابهایی که در این نوشتار معرفی یا نقد و بررسی می‌شوند، به ویژه به کار کتابداران و مسئولان آن دسته از کتابخانه‌های دانشگاه‌ها و مدارس عالی ایران می‌آید که در آنها زبان آلمانی تدریس می‌شود؛ چون استادان و دانشجویان فارسی زبان از این کتابها به بهترین وجه برای تدریس و یادگیری زبان آلمانی و همچنین دروس مرتبط با ادبیات تطبیقی می‌توانند بهره‌مند شوند.

۱۶۱

۱- ستاره‌های شعر شرق در آسمان غرب

Die schönsten Gedichte aus dem klassischen Persien.

Hafis; Rumi: Omar Chajjam, Übertr von Cyrus Atabay.

Hrsg von Kurt Scharf München, C.H.Beck, 1998.238S

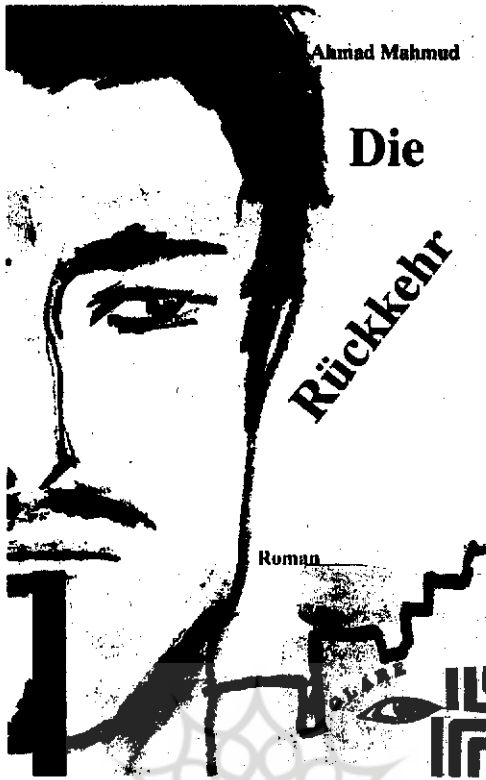
«زیباترین شعرهای کلاسیک فارسی - خیام، مولوی، حافظ» عنوان نخستین کتاب از مجموعه «کتابخانه جدید شرقی» است که در اوایل ماه اکتبر امسال به بازار آمده است. پیشینه نخستین ترجمه رباعیات خیام و غزلیات حافظ در مغرب‌زمین، به نزدیک به یک سده پیش باز می‌گردد و نقد و تفسیر و بررسی آثار و افکار آنان بخش قابل توجهی از تألیفات شرقشناسان و محققان و منتقدان غربی را به خود اختصاص داده است. عامه کتابخوان در سرزمینهای آلمانی زبان نیز این دو شاعر ایرانی را بیشتر و بهتر از دیگر سرایندهگان شرقی می‌شناسند. آنچه اما تا حدی تازگی دارد، توجه محققان و مترجمان و اقبال عامه کتابخوان به آثار مولاناست که به خصوص در سالهای اخیر افزایش چشمگیری یافته است؛ تا جایی که برای مثال کتابی که بانو آتماری شیمل در سال ۱۹۷۸ میلادی درباره زندگی و آثار مولانا با عنوان «من بادم و تو آتش» به

Die

Rückkehr

Roman

● روی جلد کتاب «بازگشت» احمد محمود



زبان آلمانی نگاشته است هم اکنون به چاپ نهم رسیده و در این میان به زبان انگلیسی نیز منتشر شده است. دفتر اول «مثنوی معنوی» نیز سال پیش به زبان آلمانی ترجمه و منتشر شد. پیشتر نیز کتاب «فیه مافیه» مولانا و همچنین گزیده‌ای از رباعیات او به آلمانی انتشار یافته بود. این کتاب، گزیده‌ای از اشعار این سه شاعر ایرانی، به سبکی نو به آلمانی ترجمه شده و چنان که مترجم نیز خود تأکید دارد، از قافیه پردازی، به سود انتقال روشن و شفاف درونمایه اشعار به خواننده، گذشته است. باید در همین جا اشاره کنم که مترجم کتاب، سیروس آتابای، خود از شاعران صاحب سبک و سرشناس شعر آلمانی معاصر است و از سال ۱۹۵۶ تا ۱۹۹۴ میلادی ۱۶ دفتر شعر و ۱۰ ترجمه از وی در آلمان منتشر شد که همه بلااستثنا به زبان آلمانی سروده شده است. از این رو می‌توان تصور کرد که آتابای توانایی ترجمه این اشعار را با قافیه و به سبک قدیم داشته است.

اساس ترجمه رباعیات خیام، نسخه چاپی صادق هدایت بوده است که از چاپ نخست آن بیش از ۶۰ سال می‌گذرد. هدایت ۱۴۳ رباعی از خیام را طبق سلیقه و با راه و روش خاص خود برگزید و با تغییر و تبدیل‌هایی، به عنوان «رباعیات اصیل خیام»، به سال ۱۳۱۳ شمسی منتشر کرد. آتابای، با رعایت ترتیب رباعیات، ۱۲۱ رباعی را از این مجموعه برگزیده و به زبان آلمانی برگردانده و در دفتری با عنوان «چون آب روانیم ما» منتشر کرده بود. این رباعیات بخش اول

کتاب حاضر را تشکیل می‌دهند.

در بخش دوم کتاب، ۴۵ پاره از غزلیات مولانا - و گاه تنها مصرعی یا بیتی - انتخاب و ترجمه شده است. به گمان منبای گزینش مترجم بیشتر ترجمه‌پذیری پاره‌ها بوده است. افزون بر این چنین می‌نماید که آتابای آن دسته از غزلیات را انتخاب کرده است که در آنها به بهترین وجه می‌توان نبوغ خارق‌العاده مولانا را در «نقاشی» تصاویر سوررئالیستی نشان داد. من برای نمونه ترجمه دو پاره بسیار کوتاه را بازگو می‌کنم تا خواننده آلمانی‌دان به سبک ترجمه آتابای از آثار کلاسیک فارسی آشنا شود. جالب این که اغلب قطعه‌ها به شعرهای نو شاعران مدرن آلمانی می‌ماند و کمتر کسی می‌تواند تصور کند که این ابیات را مولانا در بیش از هفت قرن پیش سروده است:

1

Laufen

Wie ein Schatten

Ohne FüBc

2

Nachts ist unser Auge

von Monde leer,

doch tags

Von Mond erfüllt

۱۶۳

ترجمه صد رباعی از مولانا نیز به این بخش افزوده شده است. این رباعیات را آتابای در سال ۱۹۸۴ میلادی در کتابی با عنوان «با شب سخنم بود» به چاپ رسانده بود و در واقع انتشار آنها در این مجموعه حکم تجدید چاپ را دارد؛ با این تفاوت که ناشر کنونی پسگفتار مترجم را در این چاپ حذف کرده است و مؤخره و توضیحاتی به قلم «کورت شارف»، اهتمامگر این اثر، به کتاب افزوده است. بعداً اشاراتی به فعالیتهای فرهنگی و ادبی کورت شارف خواهم داشت.

فصل پایانی کتاب دربرگیرنده ترجمه‌گزیده‌ای از غزلیات حافظ است که به دو بخش جداگانه تقسیم شده است: نخست ترجمه پنجاه غزل از دیوان حافظ که با «ساقی به نور باده برافروز جام ما» آغاز می‌شود و با «ز کوی یار می‌آید نسیم باد نوروزی» پایان می‌گیرد. این دفتر پیشتر (در سال ۱۹۸۷) با عنوان «اسرار نهان» به چاپ رسیده بود. دوم، بخشی است با عنوان «غزلیات عاشقانه» که ترجمه ۴۳ غزل را دربر می‌گیرد و یک‌بار در سال ۱۹۶۵ منتشر شده بود. اولین غزل این بخش «الا یا ایها الساقی ادر کاساً و ناولها» است و آخرینش «گفتم غم تو دارم گفتا غمت سرآید». ناگفته نگذارم که «نشر اِرمیتن» (Eremiten-Press)، ناشر اغلب آثار سیروس آتابای (و از آنجمله ترجمه رباعیات خیام و غزلیات حافظ)، ناشری نسبتاً کوچک است با امکانات محدود که البته کتابهای آتابای را در کمال زیبایی و نفاست، در نسخه‌هایی محدود و با گرافیک‌ها و طرح‌هایی جالب و خوشنویسی جذاب و جدید در روی جلد و در صفحات کتاب به چاپ می‌رساند و بیشتر این

آثار را که ارزان هم نبودند و اغلب با امضای مترجم و طراح نیز مزین بودند، کتابدوستان و «کتاببازان حرفه‌ای» خریدار بودند. در واقع مجموعه حاضر دربرگیرنده پنج دفتر است که در طول بیش از دو دهه گذشته منتشر شده بودند و اکنون در یک مجلد به چاپ رسیده است.

کورت شارف، اهتمامگر این کتاب که مؤخره‌ای نسبتاً طولانی و پُرمایه و توضیحات سودمندی نیز به کتاب افزوده است، بین سالهای ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۹ میلادی سرپرستی «انستیتوی گوته» را در تهران عهده‌دار بود و همو بود که امکانات برگزاری شبهای شعر را در سالهای انقلاب در این انستیتو فراهم آورد. از او چندی پیش ترجمه‌ای از شعرهای فروغ فرخزاد به آلمانی منتشر شد که با اقبال شعردوستان آلمانی زبان مواجه شد و به چاپ دوم هم رسید. «من هنوز در فکر آن کلاغم» عنوان جُنگی از شاعران نوپرداز معاصر ایران است که کورت شارف به آلمانی ترجمه کرد و در سال ۱۹۸۱ به چاپ رساند.

«در جستجوی پژواکی نایافتنی» عنوان نوشتار کوتاهی است که شارف در معرفی سیروس آتابای و آثار او به آخر کتاب افزوده و در آن نکاتی جالب از زندگی آتابای در سالهای طولانی غربت نقل کرده است. برای مثال چگونگی آشنایی آتابای با نویسنده نامدار آلمانی زبان رومانیایی، «الیاس کانیتی» (Elias Canetti) و نیز دوستی و جدل‌های رفیقانه آتابای در لندن با شاعر آلمانی زبان معروف، «اریش فرید».

۱۶۴

به تازگی یادواره‌ای به کوشش یکی از دوستان آلمانی آتابای منتشر شده است که در یکی از شماره‌های آینده «بخارا» به معرفی و بررسی آن خواهم پرداخت و از زندگی و آثار آتابای، دلبستگی او به زبان آلمانی و شیفستگی‌اش به عرفان شرق بیشتر سخن خواهم گفت.

پیشگامان علمی و مطالعات فرهنگی

۲- «کتاب آدمهای غایب» تقی مدرسی

Das Buch der Abwesenden, Taghi Modarressi. Aus dem Englischen über. Von Silvia Morawetz unter. Mitwirkung von SAID. München, Beck, 1998. 279S.

این اولین و تنها ژمانی است که از شادروان تقی مدرسی به زبان آلمانی ترجمه شده است. چندین ژمان از همسر او، خانم «آن تیلر» که شهروند آمریکا و یکی از نویسندگان سرشناس این کشور است، به آلمانی ترجمه و منتشر شده است. کتاب مرحوم مدرسی را خانم سیلوویا موراوتس از زبان آمریکایی به آلمانی ترجمه کرده است؛ یعنی زبانی که مدرسی نخست این ژمان را نوشت. او دو سال بعد از انتشار این ژمان، خود آن را به فارسی ترجمه کرد. «سعید»، شاعر ایرانی مقیم آلمان و یکی از فعالان «انجمن قلم» در ترجمه این ژمان همکاری



● روی جلد کتاب «مردی با کراوات سرخ»

۱۶۵

داشته و پسگفتاری نیز به کتاب افزوده است که در آن افزون بر شرح حال نویسنده، به زمینه‌های تاریخی آثار مدرسی نیز اشاره‌ای دارد. در آخر نیز فشرده‌ای از ژمان را بازگو کرده است.

۳- مردی با کراوات سرخ

Der Mann mit der roten Krawatte. Huschang Golschiri.

Aus dem Pers, übertr, von Anneliese Ghahraman-Beck.

München, Beck. 1998.300S.

این کتاب مجموعه‌ای از داستانهای هوشنگ گلشیری است با عنوان «مردی با کراوات سرخ» که خانم آیلیزه قهرمان - بک به آلمانی ترجمه کرده و اولین اثر مستقل گلشیری است که تاکنون ترجمه و به اسم او منتشر شده است. پیشتر نیز ترجمه دو سه داستان کوتاه از او درگزیده داستانهای کوتاه نویسندگان معاصر ایران به چاپ رسیده بود که در مجموعه حاضر نیز تجدید چاپ شده است. در کنار داستان بلند «شازده احتجاج» که تنها اثر مشهور نویسنده است و برای اولین بار به آلمانی ترجمه شده، ۹ داستان کوتاه دیگر نیز از او به چاپ رسیده است؛ از آنجمله «مردی با کراوات سرخ»، «دست تاریک - دست روشن» و «چهارده معصوم».

IRANZAMIN

Echo der iranischen Kultur
Unabhängige Zeitschrift

Herausgeber:

Gesellschaft für das Geistesleben Persiens
(Zentrum für die Kultur und Zivilisation Iran)

XI. Jahrgang (Neue Folge) Ausgabe 1

Chefredakteur: Ali Rahbar

Einzelheft: 30 DM
Jahresabonnement: 110 DM
Studenten: 80 DM

Incl. MWSt; zuzügl. 10% Portokosten
Für Förderer und Mitglieder kostenlos

Druck: Druckerei Franz Paffenholz GmbH,
Königstr. 82, D-53332 Bornheim

۱۶۶

نشریه «ایران زمین»، بازتاب فرهنگ ایران

IRANZAMIN

Echo der iranischen Kultur (Unabhängige Zeitschrift)

XI. Jahrgang (Neue Folge) Ausgabe 1, Frühjahr 1998.

Chefredakteur: Ali Rahbar.

«ایران زمین» نام نشریه‌ای است به زبان آلمانی که نخستین شماره از دوره جدید آن به تازگی به همت «کانون فرهنگ و تمدن ایران» در آلمان منتشر شده است. ۱۷ سال پیش از این که نخستین شماره «ایران زمین» به زبانهای فارسی و آلمانی انتشار یافت، از آن به عنوان «حادثه‌ای مبارک» در زمینه فعالیت‌های فرهنگی نام برده می‌شد. چون در زمانی که اذهان و افعال ایرانیان خارج از کشور - به لحاظ اوضاع زمانه - بیش از هر وقت و هر چیز، متوجه مسایل سیاسی بود و بحث و جدل درباره مسایل گوناگون اجتماعی رواج بسیار داشت، گروهی از ایرانیان فرهنگ‌دوست و فرهنگ‌پرور مقیم آلمان دست به ابتکاری جالب و نادر زدند و با همکاری عده‌ای از فرهیختگان آلمانی دلبسته و علاقه‌مند به فرهنگ و تمدن ایران، مجله «ایران زمین» را به منظور حفظ و توسعه فرهنگ و ادبیات ایران و ایجاد زمینه گفتگو میان تمدنها و فرهنگها بنیان نهادند. در ۸ شماره‌ای که در دوره اول «ایران زمین» منتشر شد، مقاله‌ها و ترجمه‌ها و شعرهایی از

فروختگانی چون استاد ذبیح‌الله صفا، سید محمدعلی جمالزاده، علی شریعتی، دکتر حمید عنایت، بزرگ علوی، تورج رهنما، مهدی پرهام، سیروس آتابای، م. قائد، لویی ماسینیون، آنماری شیمل، فریتس مایر، کریستف بورگل، والتر هیتس، آرتور کوئستلر و... به چاپ رسید. برخی از این نوشته‌ها برای نخستین بار در «ایران‌زمین» منتشر شدند و پاره‌ای، از نشریه‌ها و کتابهای گوناگون انتخاب و ترجمه شده بودند که در صفحه «گزیده‌های» مجله چاپ می‌شدند. یکی از جالب‌ترین شماره‌های دوره اول این مجله، دفتری بود که بیش از صد صفحه از آن به ویژه‌نامه‌ای با عنوان «گوته و ایران» اختصاص داده شده بود و در آن برای نخستین بار مقاله‌ای از دکتر محمود کورس به همراه ترجمه‌های منظوم او از اشعاری از «دیوان غربی - شرقی» گوته به چاپ رسید که تحیر و تشویق همگان را برانگیخت.

اکنون پس از یک وقفه نسبتاً طولانی، بار دیگر این نشریه وزین با ظاهری آراسته و درونمایه‌ای پیراسته و پرمایه، به سردبیری علی رهبر که از آغاز همراه و یاور «ایران‌زمین» بوده است، انتشار می‌یابد. نخستین شماره که تاریخ بهار ۱۳۷۷ خورشیدی (۱۹۹۸ میلادی) را بر پیشانی دارد، تماماً به زبان آلمانی منتشر شده است؛ ولی وعده کرده‌اند که این فصلنامه از این پس با مقاله‌های دست اول و ترجمه‌های تازه، به زبانهای فارسی و آلمانی انتشار یابد. برخی از عناوین مقاله‌های شماره اول و اسامی نویسندگان برای نمونه در زیر می‌آید:

خطابه‌ای در ستایش از شخصیت فرهنگی و آثار آنماری شیمل / رومان هرتسوک (رئیس‌جمهور آلمان)، جبر و اختیار / سید مجتبی موسوی لاری، قیاس شرق و غرب / عیسی شهابی، میان بقا و فنا یا احمد شاملو / کورت شارف، آلبرت کمپفر در ایران (۱۶۸۸-۱۶۸۳ میلادی) / هانو بک، بزرگ علوی و زمانه‌اش / علی رهبر... و ترجمه شعر «ندای آغاز» سهراب سپهری، «آه ایران» فریدون مشیری و «در رثای حلاج» آدونیس.

افزون بر اینها در این شماره با سعه صدر و بلندنظری، صفحاتی نیز به معرفی و تجلیل از شخصیت فرهنگی و ادبی ناظم حکمت، عزیز نسین و یاشار کمال و نقد و بررسی آثار این سه نویسنده و شاعر نامدار کشور همسایه ما ترکیه اختصاص دارد. فهرستی از آثار آنان نیز که به صورت کتاب به زبان آلمانی ترجمه و منتشر شده، ضمیمه این بخش است.

«ایران‌زمین» از این پس به صورت فصلنامه منتشر خواهد شد و قرار است که در دومین شماره آن به مباحثی پیرامون «گفتگوی فرهنگها» پرداخته شود. امید بسیار است که «ایران‌زمین» با پافشاری بر استقلال خود و با استقامت در برابر دشواری‌ها و پیمودن درجات تکامل و تعالی، بازتاب شایسته فرهنگ و تمدن ایران در سرزمینهای آلمانی‌زبان گردد. نشانی پستی و شماره دورنگار مجله «ایران‌زمین»:

سیمین دانشور، خاتون داستانسرایان ایران

Drama der Trauer (Savushun), Simin Daneshwar.

Übersetzung aus dem Persischen: M.H. Allafi,

Sabine Allafi, Jutta Himmelreich. Frankfurt/Main,

Glaré, 1997.363S.

اگر اشتباه نکنم، ژمان «سووشون» سیمین دانشور، خاتون داستانسرایان ایران، تاکنون به زبانهای انگلیسی، اسپانیایی و هندی ترجمه و منتشر شده است. و حال مردمان سرزمینهای آلمانی زبان هم می توانند با یکی از مشهورترین و بهترین ژمانهای معاصر ایران که ۱۴ بار در ایران تجدید چاپ شده است، آشنا شوند. ترجمه ژمان خانم دانشور به زبان آلمانی را دکتر محمد علافی، جامعه‌شناس و نویسنده و ناشر ایرانی مقیم آلمان با همکاری همسرش خانم سایینه علافی و یوتا هیمل‌رایش انجام داده‌اند. تقریباً تمام کتابهای انتشارات «GLARÉ» که از زبان فارسی ترجمه و منتشر شده، کارگروهی بوده است. از آن جمله ژمان «بازگشت» احمد محمود و مجموعه‌ای از داستانهای کوتاه نویسندگان معاصر ایران. این گروه، ترجمه نسبتاً خوبی از «سووشون» به دست داده و ناشر هم کتاب را پاکیزه و با سلیقه به چاپ رسانده است.

متأسفانه امکانات ناشر «سووشون» برای تبلیغات گسترده و پخش وسیع کتابها محدود است. ولی امیدوارم که انتشار و تأثیر نقدهایی که بر کتاب نوشته شده است، موجب شود که این ژمان جالب و جذاب هر چه گسترده‌تر نشر و پخش شود. سال گذشته در حاشیه نمایشگاه جهانی کتاب فرانکفورت ضمن گفتگو با محمد علافی، مدیر انتشارات گلاره، پیشنهاد کردم که ترجمه «سووشون» را در اختیار یکی از ناشران بزرگ آلمانی یا سوئیسی قرار دهد تا این ژمان جالب و جذاب به طور گسترده تبلیغ و پخش شود. به تازگی نیز در گفتگوی تلفنی با وی این موضوع را بار دیگر با او در میان گذاشتم و آمادگی خود را نیز بدون هیچ چشمداشتی - برای معرفی و گفتگوهای اولیه با ناشران معتبر و بزرگ که می‌شناسم، اعلام کردم. او معتقد بود که به خاطر دلبستگی شخصی به این ژمان و نویسنده آن، تمام امکانات مؤسسه انتشاراتی خود را برای نشر و پخش و تبلیغ این اثر به کار خواهد گرفت؛ و در عین حال گفت که هدف اصلی انتشارات گلاره اشاعه هر چه وسیع‌تر ادبیات داستانی ایران است و از این رو آماده است که کتابهایی را برای چاپ به قطع جیبی و پخش گسترده آنها در اختیار ناشران بزرگ آلمانی و

Simin Daneshwar

Drama der Trauer

Savushun



● روی جلد کتاب «سروشون» سیمین دانشور

سوئسی قرار دهد.

روزنامه «زوددویچه»، یکی از معتبرترین و پرتیراژترین روزنامه‌های آلمان، نقدی بر ترجمه آلمانی «سروشون» نگاشته و در ضمن معرفی شخصیت هنری و اجتماعی نویسنده، به نقد و بررسی این ژمان پرداخته است و آن را یکی از بهترین آثار فارسی دانسته که تاکنون به آلمانی ترجمه شده است. منتقد «زوددویچه» با اشاره به جذابیت و عمق ژمان «سروشون»، به جنبه‌های روانشناختی آن پرداخته است و قدرت نفوذ این ژمان را در سبک بی‌نظیر سیمین دانشور و ساختار ژمان می‌داند.

شاید به جرأت بتوان گفت که در سالهای اخیر، این نخستین بار است که منتقدی در یکی از روزنامه‌های معتبر آلمان به نقد ادبی ژمانی از نویسنده‌ای ایرانی می‌پردازد. تاکنون چنین بود که روزنامه‌نگاران بیشتر به شخصیت اجتماعی نویسندگان ایرانی و فعالیتهای اجتماعی و احتمالاً سیاسی آنان و سانسور و توقیف آثار و بازداشت و زندانی شدنشان در گذشته و حال می‌پرداختند و به ندرت اندکی نیز به نقد ادبی آثار پرداخته می‌شد. این امر حتی در مورد ترجمه ژمانهای محمود دولت‌آبادی نیز صادق است: چه رسد به آثار نویسندگانی چون پارسا پور و معروفی و گلشیری و دیگران. البته باید به این واقعیت نیز اشاره کرد که اینان خود در زندگی‌نامه‌هایی که در اختیار ناشر قرار می‌دهند و یا در گفتگوها و مصاحبه‌هایشان بیشتر بر

جنبه‌های اجتماعی فعالیت‌هایشان و همچنین سانسور آثار و موانعی که بر سر راه چاپ یا تجدید چاپ کتاب‌هایشان وجود داشته است، تکیه می‌کنند. لذا شگفت‌آور هم نیست که منتقدان آلمانی نیز در نوشته‌هایشان، بیشتر این جنبه از شخصیت نویسنده را بازتاب دهند. در حالی که نویسندگانی چون «گارسیا مارکز»، «ماریو وارگاس یوسا» و یا «گونتر گراس» با آن سابقه فعالیت‌های سیاسی (مارکز دوست و یکی از طرفداران فیدل کاسترو، یوسا کاندیدای ریاست‌جمهوری در پرو و گراس طرفدار حزب سوسیال دمکرات آلمان که آشکارا برای پیروزی ویلی برانت در انتخابات مبارزه می‌کرد) در مصاحبه‌ها و گفتگوهایشان، در درجه اول جنبه‌های ادبی آثارشان را پیش می‌کشند و می‌گویند که مسایل اجتماعی و سیاسی کشورشان را جدا از فعالیت‌های ادبی و فرهنگی‌شان مطرح کنند تا یکی تحت‌الشعاع دیگری قرار نگیرد.

نشانی پستی انتشارات گلاره:

GLARE Verlag/ P.O.Box 500717/ 60395Frankfurt/M/ GERMANY

ادبیات داستانی ایران به زبان آلمانی

در سالهای اخیر بیش از هر زمان دیگر، اقبال به ژمانها و مجموعه داستانهای ایرانی رو کرده است و ناشران آلمانی و اتریشی و سوئیسی که می‌بینند بازار نسبتاً خوبی برای فروش این آثار پدید آمده است، با علاقه آماده‌اند که ژمانهای خوب داستانی ایران را نشر و پخش کنند. از این رو در دهه اخیر خوانندگان و علاقه‌مندان به ادبیات داستانی در سرزمینهای آلمانی زبان این امکان را پیدا کرده‌اند که با آثار گوناگون نویسندگان معاصر ایران آشنا شوند. خوشبختانه چند مترجم آلمانی زبان نیز وجود دارند که تاکنون ترجمه‌های خوبی از ژمانها و داستانهای ایرانی به دست داده‌اند. با این همه ناشران آلمانی در پی مترجمان خوب آثار کلاسیک و مدرن‌اند و برای بستن قرارداد با نویسندگان و به خصوص با مترجمان خوب و سرشناس از هم پیشی می‌گیرند. البته هنوز مشکل اساسی بر سر راه گسترش ادبیات داستانی ایران در آلمان، یافتن مترجمان ژبده و کارآزموده است.

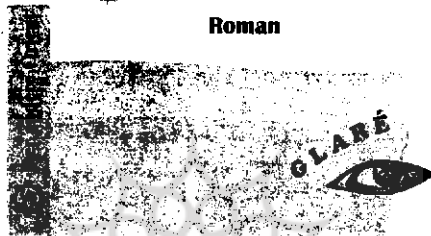
در یک‌سال گذشته چندین ژمان و مجموعه داستان از نویسندگان ایرانی به زبان آلمانی ترجمه و منتشر شده است که افزون بر ژمان مدرسی و مجموعه داستانهای گلشیری و ژمان «سوشون» خانم دانشور، در اینجا فهرست‌وار و با اشاراتی کوتاه به معرفی چند کتاب دیگر می‌پردازم.

Esmail Fassih

Winter '83



Roman

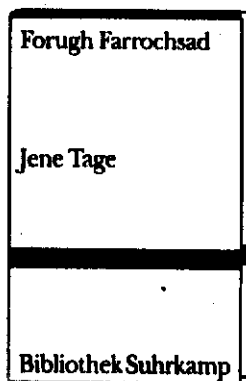


● روی جلد کتاب «زمستان ۶۲» اسماعیل فصیح

«زمستان ۶۲» اسماعیل فصیح

Winter '83, Esmail Fassih. Übersetzung aus dem
Persischen: M.H. Allafi, Sabine Allafi. Frankfurt/Main,
Glaré, 1998.376S.

از اسماعیل فصیح تاکنون اثری به زبان آلمانی ترجمه نشده بود. انتظار می‌رفت که ژمان «ثریا در اغما»ی این نویسنده که به زبان انگلیسی نیز ترجمه و منتشر شده است، به لحاظ موضوع و مضمون آن، اولین اثری باشد که از فصیح به آلمانی ترجمه می‌شود. ولی مدیر انتشارات گلاره (ناشر «سووشون» به آلمانی) پس از مطالعه و بررسی سه ژمان از آثار اسماعیل فصیح، یعنی «زمستان ۶۲»، «ثریا در اغما» و «فرار فروهر» ژمان «زمستان ۶۲» را برای ترجمه به آلمانی مناسب‌تر و شاید حتی جذاب‌تر ارزیابی کرده است. به هر حال، با ترجمه و انتشار این کتاب، خوانندگان آلمانی‌زبان با یکی از پُرکارترین نویسندگان ایرانی آشنا می‌شوند که کتابهایش در ایران در شمار پُر فروش‌ترین ژمانهای سالهای اخیر است. ژمان فصیح را خانم سایینه علافی و آقای محمد علافی به آلمانی ترجمه کرده‌اند که با طرحی زیبا و گیرا برای روی جلد کتاب، که براساس نقاشی خانم «مونیکا فرانک‌آو» تهیه شده است، امسال هم‌زمان با برپایی نمایشگاه جهانی فرانکفورت منتشر گردید.



مطبوعات، تصمیم به چاپ آن داشت. ولی انتشار آن اتفاقاً همزمان شد با اقامت گزیدن معروفی در آلمان. ترجمه و انتشار مجموعه داستان «رشته تسبیح» نیز که دربرگیرنده داستانهای کوتاه «رشته تسبیح»، «موری» و «عطر یاس» است، همین سرنوشت را داشت. با این تفاوت که ناشر این کتاب وابسته به دانشگاه بامبرگ آلمان است و ویراستاران و مترجمان نیز استادان و دانشجویان رشته ایرانشناسی این دانشگاه‌اند و ترجمه داستانها بیشتر جنبه آموزشی و تمرین ترجمه تطبیقی را برای دانشجویان داشته است؛ از این رو متن فارسی داستانها هم در کنار ترجمه آلمانی آنها به چاپ رسیده است. خانم دکتر «رُکسانه هاگ - هیگوچی»، استاد ایرانشناسی دانشگاه بامبرگ و یکی از ویراستاران کتاب، مدخلی جالب و سودمند بر کتاب نگاشته که در آن اشاراتی دارد به تاریخچه داستان و داستان‌نویسی از «یکی بود و یکی نبود» جمalzاده تا امروز و همچنین تغییر و تحولاتی که بعد از انقلاب ۱۳۵۷ در گستره ادبیات داستانی ایران پدید آمده است.

«پیکر فرهاد» را خانم «آنلیزه قهرمان - بک» به آلمانی ترجمه و انتشارات «اینزل» به تازگی آن را منتشر کرده است و هنوز زود است که درباره داوری ناقدان و عکس‌العمل خوانندگان چیزی نوشت.

Symphonie der Toten, Abbas Maroufi, Aus dem Persischen von
Anneliese Ghahraman-Beck, Frankfurt/Main, Insel, 1996.356 S.

«رشته تسبیح»

Die Gebetskette, Abbas Maroufi. Herausgegeben von
Faramarz Behzad und Roxane Haag-Higuchi, Bamberg,
Bamberger Editionen, 1997.154 S.

«پیکر فرهاد»

Die dunkle Seite, Abbas Maroufi. Aus dein Persischen von
Anneliese Ghahraman-Beck, Frankfurt/Main, Insel, 1998. 171 S.

هر سه کتاب از عباس معروفی است که بعد از اتمام بورس یکساله‌ای که «بنیاد هاینریش بل» به او داده بود، یکی دو سال است که در آلمان ماندگار شده و می‌کوشد تا با تمام دشواری‌های زندگی در غربت، به کار نویسندگی ادامه دهد. از او اخیراً نامه‌ای سرگشاده به نویسنده سرشناس آلمانی، «گونتر گراس» در هفته‌نامه «دی تسایت» منتشر شد که البته جنبه‌های شکوه و گلایه آن بر محتوای ادبی‌اش فزونی داشت و در آن کمتر به موقعیت نویسندگان ایرانی در آلمان و بیشتر به شرایط نامناسب مالی خود و خانواده‌اش پرداخته بود که پس از قطع کمکهای اجتماعی دولت آلمان برایش به وجود آمده است. این نامه اگر سبک و سیاق و جانمایه دیگری می‌داشت و به‌طور کلی و عمومی، شرایط زندگی و کار اهل قلم و هنرمندان را در غربت (و البته با زبانی در خور این گروه) به تصویر می‌کشید، بی‌گمان می‌توانست زبانی حال بخش بزرگی از نویسندگان دور از وطن باشد.

«سمفونی مردگان» و «پیکر فرهاد» را یکی از مترجمان خوب و با سابقه ترجمه و یکی از معتبرترین ناشران آلمانی منتشر کرده و در چند روزنامه و مجله پُر تیراژ آگهی و معرفی و نقد شده است. گرچه نقدها (همانند اغلب نقدهایی که بر ترجمه آثار دولت‌آبادی و گلشیری نوشته شده است) چنان که پیشتر گفتم، بیشتر پیرامون مسایل اجتماعی و سیاسی ایران در چند دهه اخیر و درگیری‌های نویسنده با مسئولان فرهنگی کشور است و متأسفانه کمتر به بررسی سبک و ساختار ژمان و نقد هنری و ارزش ادبی اثر پرداخته شده است. البته ژمان «سمفونی مردگان» پیش از خروج نویسنده از ایران ترجمه شده بود و ناشر آلمانی پیشتر و جدا از جنگالهای

Östliche Brise
Ein literarisches Forum

Moderne iranische Erzählungen

Herausgegeben von M.H. Allafi
in Zusammenarbeit mit
Mohammad Jalali und Hossein Nushazer

→ ← East meets West 3

Glaré Verlag



نسیم شرقی

۱۷۴

Östliche Brise: Ein literarisches Forum; moderne iranische

Erzählungen, hrsg. Von M. H. Allafi. Glaré Verlag

Frankfurt/Main 1998. 164S.

«نسیم شرقی» عنوان مجموعه‌ای از داستانهای کوتاه ایرانی است که به کوشش محمد علافی و ترجمه گروهی از مترجمان آلمانی و ایرانی منتشر کرده است. محمد علافی، مدیر انتشارات «گلاره» پیشگفتار کوتاهی نیز بر این کتاب نوشته که چکیده آن چنین است: دنیا ما امروز کوچکتر از هر زمان دیگر شده، ولی همچنان گونه‌گون و گوناگون و گوناگون مانده است. ادبیات داستانی در این میان بی‌گمان نقشی اساسی در این رنگارنگی و جذابیت جهان فرهنگی دارد و تحولات جامعه و سرنوشت و سرشت انسان عصر ما را به بهترین وجه بازتاب می‌دهد و نمایان می‌سازد. ادبیات خلاقه، آنگاه که بتواند به دور از شائبه جزم‌گرایی و فارغ از چهارچوب‌های تنگ و تاریک ایدئولوژیکی و با حفظ بستر زیباشناسی، ابعاد گوناگون فرایند اجتماعی را نشان دهد و سرنوشت انسانهای عصر خود را به تصویر کشد، جایگاهی شایسته در تاریخ هنر برای خود کسب خواهد کرد. در واقع توانمندی ادبیات داستانی در این امر نهفته است که قادر است ناهنجاری‌های اجتماعی و ناکامی‌های زندگی را با خیالپردازی‌های هنرمندانه به تصویر کشد و

جاودانه سازد و با تأثیر عمیقی که بر خواننده می‌گذارد او را به تأمل و تفکر برانگیزاند. در حال حاضر ادبیات داستانی - خواسته یا ناخواسته - مؤثرترین عامل پیوند فرهنگی و مستفادترین رسانه‌ای است که گفتگو میان انسانهای روی این کرهٔ خاکی را امکان‌پذیر ساخته است. سالهاست که ادبیات داستانی مدرن در سرزمین ما از ادبیات غربی تأثیر پذیرفته و بهره گرفته است و اکنون رفته‌رفته «نسیمی شرقی» - هر چند با عناصری غربی - به سوی غرب در حال وزیدن است. نقطهٔ مشترک نویسندگان این مجموعه ارتباط و نزدیکی آنان به فرهنگ ایرانی - اسلامی از یک‌سو و فرهنگ غربی از سوی دیگر است.

مجموعهٔ «نسیم شرقی» دربرگیرندهٔ ۱۶ داستان کوتاه است که دو داستان آن در اصل به زبان آلمانی نوشته شده و مابقی ترجمه است. در میان نویسندگان این کتاب به نامهای آشنایی چون سیمین دانشور با داستان «از پرنده‌های مهاجر پیرس»، احمد محمود با «با هم» ناصر مؤذن با «جسدی بر حاشیه اتوبان» هوشنگ گلشیری با «آنا، بانویی و من» و منیرو روانی‌پور با «بازی» برخورد می‌کنیم و نیز با کسانی که اغلب تجربهٔ داستان‌نویسی خود را در خارج از ایران آغاز کرده‌اند و هم‌اکنون در اروپا و آمریکای شمالی زندگی می‌کنند؛ مثل محمد علافی و پرویز صدیقی که اصولاً داستانشان را به زبان آلمانی می‌نویسند. یا بهروز ثاکرایی که عراقی‌الاصل است و متولد اربل، ولی به زبان فارسی می‌نویسد و در سوئد اقامت دارد. او با ۳۵ سال سن جوانترین نویسندهٔ این مجموعه است.

دیگر نویسندگان کتاب: سودابه اشرفی با «کدام لحظه» مه‌کامه زحیم‌زاده با «هستی» حسین نوش‌آذر با «نامه‌های یک تمساح به همزادش» نسیم خاکسار با «نگاه در مه»، هرمز شهدادی با «خسوف»، کوشیار پارسی با «واژگان اندک کافی‌اند» و پیمان وهاب‌زاده که عنوانی انگلیسی «Man is the Dreaan of the Dolphin» را برای داستانش برگزیده است. محمد جلالی و حسین نوش‌آذر در ترجمه و تدوین کتاب با محمد علافی همکاری داشته‌اند و کتاب، همچون دیگر آثار که انتشارات گلاره در این سالها منتشر کرده است، ظاهری آراسته و متنی پیراسته دارد.